

عنوان مقاله:

منازعه هژمونیک نیروهای ملی و مذهبی و تاثیر آن در فروپاشی جبهه ملی اول (۱۳۲۸۱۳۳۲)

محل انتشار:

مجله جامعه شناسی ایران، دوره 17، شماره 1 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

مهرداد جواهری پور - استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی

رضا صفایی - دانشجوی دکترای جامعه شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی

خلاصه مقاله:

هدف این مقاله کاربست نظریه "هژمونی" گرامشی برای بررسی رابطه نیروهای ملی و مذهبی، و شناخت شالوده اجتماعی روابط تعارض آمیز این نیروها در متن تحولات دوره نخست وزیری دکترمصدق است. این بررسی براساس شواهد و داده های تاریخی نشان می دهد منازعه نیروهای ملی و مذهبی بر سر هژمونی از عوامل موثر بر فروپاشی جبهه ملی و سرنگونی دولت دکترمصدق بود. از آن جایی که کشمکش های سیاسی به تنهایی نقش کلیدی نداشته اند، در این جا کشمکش های سیاسی در متن منازعه هژمونیک نیروهای ملی و مذهبی تحلیل شده اند. افزون بر این، منازعه هژمونیک نیروهای ملی و مذهبی بر اساس تمایزی تحلیل می شود که گرامشی بین "رهبری سیاسی" و "رهبری اخلاقی فکری" مطرح کرده است. یافته ها نشان می دهند که منازعه آیت الله کاشانی و دکترمصدق بر سر "رهبری سیاسی" جنبش ملی، و هم چنین منازعه گروه های ملی و مذهبی بر سر "رهبری اخلاقی فکری" نقش مهمی در تغییر موازنه نیروهای اجتماعی و شکل گیری ائتلاف ضدمصدقی در واپسین روزهای مرداد ۱۳۳۲ داشته است. درعین حال، این منازعه هژمونیک بحران عمیق تری را نیز در جامعه ایران آشکار ساخت: بحران هژمونی، بحران ناشی از دوره گذار از یک "جامعه سنتی" به یک "جامعه متوسط جدید بود که خودش را در تکرار منازعات هژمونیک نیروهای ملی و مذهبی نمایان ساخت.

کلمات کلیدی:

بحران، جبهه ملی، جنبش ملی، طبقه متوسط، منازعه، هژمونی، مدرن به رهبری اخلاقی فکری طبقه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1659527>

